

از درخشش و ریا غفوری تا در سرفای زندگی بدون حسینی و پادووانی

استقلال و لغزش های آشکار دفاعی

نیم پیش به تیمی آمد که در آن بعد از ظهر از یاد رفتنی آن گل غریب را برابرش به ثمر رسانده بود. در آن زمان که به تدریج لنگی های کار خسرو حیدری به سبب مصدومیت های وی جلوه گر می شد، سران استقلال عادت کرده بودند که هر فصل یک پیستون راست ثانوی را هم استخدام کنند تا وقتی خسرو نیست میدان دار آن منطقه باشد و وقتی هر دو هستند یکی به سمت عقب کار کند و دیگری به سمت جلو و پیش از او یا چنین ملاحظات و خریدهایی شامل حال علی جودی و میلاد فخرالدینی هم شده بود. وریا ماصبور تر و ماندگار تر از آنها که حداکثر یکی دو فصل در جمع آبی ها ماندند و سپس رفتند، نشان داد و به رغم مصدومیت های مزمن و مکرر (که نقطه ضعف اصلی اوست) آن قدر در این تیم ماند و زحمت کشید که یکی دو سالی است برای بازی کردن در ترکیب ثابت آبی های نیاز می ندارد که حیدری لزوماً مصدوم یا سه اخطاره باشد یا اتفاق دیگری افتاده باشد و به واقع کار بر عکس شده و حالا این حیدری ۳۵ ساله است که باید منتظر بنشیند تا بلایی بر سر غفوری بیاید و بخت بازی کردن او باز شود (البته در دوستی و نظر مثبت این دو بازیکن از رزنده نسبت به یکدیگر هم تردیدی وجود ندارد) میزان درخشش و ریا به حدی رسیده که کار لوس کی روش هم تا قبل از جام جهانی اخیر را به عنوان پیستون راست اصلی تیم ملی انتخاب کرده بود و به افراد دیگر در این پست فقط زمانی بازی می داد که غفوری در دسترس نباشد و اگر وریا سالم و سر حال و فاقد مصدومیت بود، بعد نشان می داد که سرمربی پر تگالی تیم ملی ایران مسابقه ای را پیستون راستی بجز وریا آغاز کند.

دستاوردهای سال پیش غفوری در استقلال به تک گل مهمی که در دربی چندی پیش نهران زد و موجب پیروزی استقلال مقابل پرسپولیس شد بر نمی گردد و او هر بار در میدان حاضر بود، پویایی و جوششی را به سمت راست آبی های می بخشید که آنها از زمان نزول نسبی خسرو حیدری به شدت به آن محتاج بوده اند، وریا در نفوذهایش به سمت دروازه که گاه حتی وی را از خط طولی هم دور کرده و در عمق دفاعی حریفان پا به توپ ساخته، آن قدر موفق بوده که بخشی از حملات موثر آبی هادر لیگ و جام حذفی با چنان حرکاتی و با همت این پیستون خوش نفس حاصل آمده است و اگر او پیشتر با مردان دیگری مثل ایران پویان و فخرالدینی و ماهینی بر سر پست مدافع راست برتر ایران رقابت می کرد، حالا شاید بهتر بین باشد.

برای انتخاب بهترین بازیکن کنونی استقلال هم نظر های بیشتر به سمت اومی رود و با این که هر دو حسینی استقلال (سید حسینی و مجید) نیز خوب کار کرده اند و داریوش شجاعیان هم تا قبل از مصدومیت شدیدش در نیم فصل دوم متولی شده بود ولی وریا چیز دیگری بوده است. او مدافع راست تهاجمی و کارساز و البته صاحب توانایی های دفاعی است که کمتر تیمی احتمال دارد خواهان وی نباشد و در غیاب مجید حسینی که لژیونر شده، عمده تر شدن وریا امری غیر قابل اجتناب است.



پردوام در مرکز دفاعی تیمش ایجاد نکرد تا آبی ها بر آن تکیه کنند و دچار وضعیت امروز نشوند و آرایش این منطقه را دائماً تغییر می داد، امروز این میراث نامطمئن است که ظاهراً فقط شفر رانج می دهد اما دستپخت خود او نیست و ریشه در یک پروسه هفت هشت ساله دارد که بیش از ۱۲۰۱۰ بازیکن در مرکز خط دفاعی تیم استقلال به کار گرفته شدند ولی کوشش برای حفظ اکثر آنها نشد و برخی به بهانه های واهی به تیم های لیگ کوچ کردند و ضررهای آن اکنون با وسعت پیش روی آنها است.

از گلزنی به آبی ها تا تبدیل شدن به بهترین استقلالی

وریای غفوری که اخیراً قراردادش را با استقلال تمدید کرد، شش سال و اندی پیش در دیدار نفت تهران با استقلال در ورزشگاه تختی با شوتی از فاصله ای بیش از ۳۰ متر دروازه سید مهدی رحمتی را که در آن زمان گل زدن به وی از سخت ترین کارها بود (و امروز هم البته آسان نیست) فروریخت و با آن گل دقایق پایانی نفت به نتیجه ای دور از انتظار برابر تیمی رسید که بر خلاف امروز حسرت چهار پنج فصل بدون قهرمانی ماندن در لیگ رانمی کشید و مدعی هر مسابقه ای و هر جامی بود.

دست قضا و قدر وریا را که بچه سندنجد و اینک ۳۱ ساله است به اصفهان کشاند و پیراهن سپاهان را بر تن وی نشانند و او آن جا هم آن قدر خوب نشان داد که استقلال تهران خواهان وی شد و او سرانجام سه سال و

سید مجید حسینی نیز به رغم مخالفت های استقلال و ناپدید شدن پاسپورتش (۱) به یک لیگ خارجی کوچ کرده و لئوناردو پادووانی برزیلی به زمان زیادی نیاز دارد تا به همان مدافع درخشان سابق برای این تیم تبدیل شود و آثار حادثه سوء سال پیش و آسیب های وی و گردن تقریباً شکسته اش همچنان پا بر جاست.

استقلال البته پیمان منتظری را در خدمت دارد و با این که او در یک سال اخیر دو بار از بستر مصدومیت های طولانی مدت برخاسته ولی خبری از استواری و انسجام قطعی در خط دفاعی استقلال رویت نمی شود.

یک خط عقب تر بردن مجدد روزه چشمی و قرار دادن او در مرکز خط دفاعی که در یک سال و اندی اخیر بدفعا شکل گرفته، البته محتمل ترین و «دم دستی» ترین تدبیر ممکن برای حل این معضل است اما آیا چشمی جوان می تواند با منتظری یک زوج کم نقص و هماهنگ را بسازد؟

آمدند و رفتند!

عملکرد استقلال در سالهای اخیر سرشار از همکاری های نصف و نیمه با مدافعان وسط است که آمده و رفته اند و ماندگاری شان در کمترین حد بوده و جدیدترین آنها اربسون جان وارو بوده است. این مدافع وسط برزیلی دو فصل پیش بدکار نکرد اما در تجدید سازمان های آخر فصل از تیم کنار گذاشته شد و تنها عاملی که سبب شد آبی ها همین بلارا بر سر هر ایر مگویان نیابورند، این بود که این مدافع ارمنستانی با سماجت شخصی و البته با طراخی مدیر برنامه های نام آشنایش (ادموند اختر) حاضر به تسلیم مقابل آبی ها نشد و یک فصل ماند و پول گرفت و برای آبی ها بازی هم نکرد!

راه های ثانوی

با این حال هر ایر جدا شده از استقلال دیگر به کار این تیم نمی آید و شفر باید از نیروهای موجود و حاضر در میدان برای این مهم بهره گیرد، تا فصل پیش قدری عقبتر بازی کردن امید ابراهیمی و نزدیکتر شدن امید نورافکن به مرکز خط دفاعی راه حل های دیگری بود که استقلال برای پر کردن حفره نگران کننده خط دفاعی اش داشت ولی هر دوی آنها لژیونر شده اند.

شفر می داند که به یمن حضور منتظری و دریای تجربیات او و بخصوص پیشینه بازی اش در لیگ های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس (لیگ قطر) می توان بر خوردی موفق و محکم با حمله وران رقیب در ایران و آسیا داشت.

ولی کار دشوار است و لااقل در آسیا رقبایی وجود دارند که مهاجمان فرصت شناسی دارند و ذره های غفلت از جانب مدافعان آبی هم کافی است تا هر خود را بریزند.

میراث نامطمئن

شاید روزی که مریدان قبلی استقلال شامل منصوریان، مظلومی و قلعه نوسی با جدایی پیاپی امثال صادقی و عمران زاده موافقت می کردند، به روزهای فعلی نمی اندیشیدند و حتی منصوریان نیز در یک سال و نیمی که سرمربی استقلال بود یک ترکیب ثابت و قطعی و

